عنوان تحقیق

بررسی کیفیت استعمال تنقیح مناط در کتاب الطهارة از کتاب الروضة البهیة توسط شهیدین

استاد راهنما

حجة السلام والمسلمین طالب علم (زید عزه)

نام پژوهشگر

محمد مهد ی احمدی مهر

مقطع تحصیلی

پایه پنجم

درس پژوهشی

اصول3

مرکزآموزشی

مدرسه علمیه علوی- قم

سال تحصیلی

98-99



**تقدیر**

به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق » بسی شایسته است از استاد عزیزم جناب حجت الاسلام و المسلمین طالب علم (زیدعزه) و معاونت محترم پژوهش مدرسه علمیه علوی، حجت الاسلام عابدینی (کثرالله امثاله) که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم ودانش را با راهنمایی های کار ساز و سازنده برای این حقیر بارور ساختند ؛تقدیر و تشکر نمایم.

**تقدیم**

به پاس زحمات شبانه روزی و خالصانه ی جانبازان و شهدای سلامت، این ناچیز را به محضرشان تقدیم می کنم.

کلمات کلیدی: تنقیح مناط، شهید اول(رحمه الله) ، شهید ثانی(رحمه الله)، اللمعه الدمشقیه.

**چکیده**

از آن جا که برای رسیدن به قرب الی الله نیازمند فهم کلام خدا هستیم، برآن شدم تا موردی از روش های فقهاء را که برای استنباط از آن بهره می گیرند، بررسی کنم. لذا در دو فصل کلی این مسئله را بررسی کرده ام. در فصل اول به توضیح مفاهیم پرداخته شده است که شامل فقه، اصول، مناط و تنقیح مناط می باشد و در فصل دوم به بررسی مواردی که شهیدین در کتاب اللمعه الدمشقیه به کار بسته اند، پرداخته ایم. نکته ی قابل ذکر این است که این پژوهش، در زمان مشخص به پایان نرسید و متاسفانه با ایام شیوع کرونا در کشور مصادف شد. بر آن هستم که در آینده ای نزدیک این اثر پژوهشی را به ثمر برسانم. ان شاء الله تعالی.

# فهرست مطالب

[فهرست مطالب أ‌](#_Toc36938052)

[مقدمه 1](#_Toc36938053)

[فصل اول: کلیات 2](#_Toc36938054)

[بخش اول: در آمدی بر علم فقه و اصول 2](#_Toc36938055)

[بخش دوم: بررسی معنای تنقیح مناط 3](#_Toc36938056)

[فصل دوم: تطبیقات 5](#_Toc36938057)

[بخش اول: خروج از حکم عامِ وجوب ازاله ی نجاست برای نماز گزار 5](#_Toc36938058)

[بخش دوم: الحاق خون استحاضه و نفاس به خون حیض 5](#_Toc36938059)

[بخش سوم: ادامه دارد... 6](#_Toc36938060)

[فصل سوم: منابع و مآخذ 7](#_Toc36938061)

# مقدمه

خداوند متعال، عاقبت به خیر شدن را منحصر در اطاعت از خودش، فرستاده اش و صاحبان امر نموده است.(پاورقی: سوره ی نساء/ آیه مبارکه 59)

لازمه ی اطاعت، فهم کلام مطاع می باشد.

باتوجه به عدم دسترسی ما به شارع و همچنین گذر زمان، دریافتن پیام حق امری پیچیده می باشد.بنابراین نیاز به آموزش علوم و مسائل مربوط است.

برای حصول فهم دقیق کلام ایشان، فقهای گرانقدر زحمت های بسیاری کشیده اند.از جمله ی این فقهای بزرگوار، شهید ثانی (علیه الرحمة) می باشد.وی کتابی با عنوان الروضة البهیة را در مسیر رشد فقه اهل تشیع تدوین کرده است.کتاب مذکور، کتابی است که به متعلمان، مهارت تفقه را در سطح مقدماتی آموزش می دهد.

از مسائل مهم در علم فقه، مسئله ی تنقیح مناط می باشد.به وسیله ی تنقیح مناط میتوان علت حکم را یافته و در موضوعات دیگر سرایت دهیم.

در این نوشته بر آنیم که بدانیم شهید ثانی (علیه الرحمة) از تنقیح مناط، به چه کیفیتی در کتاب الطهارة استفاده کرده است.

# فصل اول: کلیات

## بخش اول: در آمدی بر علم فقه و اصول

1-1 فقه چیست؟

فقه، به معنای فهمیدن و درک کردن می باشد که به استنباط احکام شرع کمک می‌کند. منظور از فقه، قوانین الزامی و غیر الزامی است که از طرف خداوند متعال برای بشر وضع گردیده است. علم فقه علمی است که از منظرهای مختلف و متعدد به بررسی این قوانین می‌پردازد و در پیرامون آن بحث می‌کند. موضوعات فقهی مثل نماز، روزه، حج، معاملات و بسیاری از موضوعاتی که در فقه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

1-2 اصول فقه چیست؟

اصول فقه، علمی است که در آن از قواعدی بحث می‌شود که نتیجۀ آن‌ها در استنباط حکم شرعی مورد استفادۀ مجتهد قرار می‌گیرد. از این رو، علم اصول فقه نسبت به علم فقه، علمی ابزاری است که فقیه به وسیلۀ آن می‌تواند احکام شرعی فرعی را از منابع آن‌ها یعنی کتاب، سنّت، اجماع و عقل استنباط کند.

1-3 رابطه ی فقه و اصول

استنباط هر حکم شرعی اعم از تکلیفی و وضعی از منابع چهارگانۀ فقه، نیازمند یک یا چند مسأله و قاعدۀ اصولی است. برای توضیح این تعریف بهتر است به مثال زیر توجه کنیم:

همه می‌دانیم که نماز در دین اسلام یکی از واجبات است و آیات فراوانی از قرآن بر وجوب آن دلالت می‌کند.

یکی از این آیات، آیه شریفه ۴۳ از سوره بقره[۵]است، که می ‌فرماید:

«اقیموا الصلاه» یعنی نماز را به پای دارید، دلالت این آیه بر وجوب نماز، به اثبات دو اصل اساسی مبتنی است:

الف) اثبات این که صیغه امر(اقیموا) ظهور در وجوب دارد.

ب) اثبات این که ظواهر قرآن نسبت به غیر معصومین(ع) نیز حجت است و دیگران نیز حق دارند به ظواهر قرآن مراجعه نموده و از آنها حکم شرعی را استخراج کنند.

مجتهدی که در رساله خویش فتوی به وجوب نماز می ‌دهد نخست باید در علم اصول فقه، این دو مساله را بررسی نموده و بپذیرد که اولاٌ امر، ظهور در وجوب دارد و ثانیاٌ ظواهر قرآن در حق همگان حجت است.

به دنبال پذیرش این دو اصل، می‌ تواند حکم شرعی را از آیه مورد نظر استفاده کند.

## بخش دوم: بررسی معنای تنقیح مناط

1- معنای لغوی

لغویون برای تنقیح، معانی متعددی را ذکر کرده اند که عبارتند از:

o تهذیب و تمییز:

در این معنا کلام منقح، کلامی است که عاری از هرگونه حشوی باشد.

o مکان آویزان کردن، بیرون آورد مخ و مغز شیئی که از ریشه ی کلمه ی نوط می باشد و مجازا به معنای علت به کار می رود.

2- معنای اصطلاحی

«تنقیح مناط» در اصطلاح فقها یکی از شیوه‌های استنباط حکم است که در آن با اجتهاد و نظر، علت حکم از اوصاف غیردخیل که در نص آمده، تمییز داده می‌شود تا بتوان حکم را به تمام مواردی که علت در آن‌ها وجود دارد، تعمیم داد.

به بیانی دیگر، تنقیح مناط، از روش‌هایی است که مجتهد به وسیله آن قصد شارع را از کلام (نص) وی استخراج می‌نماید و حکم واقعه‌ای را که در مورد آن نص وجود دارد، به واقعه‌ای دیگر که در مورد آن نص وجود ندارد، سرایت می‌دهد و آن در جایی مطرح می‌گردد که شارع حکم واقعه‌ای و مناط آن را بیان نموده و همراه بیان مناط آن، اوصافی را ذکر نموده که مجتهد یقین دارد بعضی از این اوصاف در تعلق حکم به موضوع و یا واقعه دخالت ندارد. به همین دلیل از راه شناسایی و حذف آنها، مناط حقیقی حکم شارع را به دست آورده و از این طریق دامنه حکم را گسترش می‌دهد و موضوعات دیگری را که در مورد آن نص وارد نشده است، در تحت آن داخل می‌نماید.

در این مورد، داستان اعرابی را مثال زده‌اند که خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم رسید و عرض کرد: ‌ای رسول خدا! هلاک شدم! حضرت به او فرمود: مگر چه کرده‌ای؟ گفت: در روز ماه رمضان با همسرم نزدیکی کرده‌ام. حضرت فرمود: بنده‌ای آزاد کن.

علما از این حدیث و از راه تنقیح مناط استفاده کرده‌اند که وصف اعرابی بودن شخص سؤال کننده، در حکم آزاد کردن بنده، دخالتی نداشته است. این که نزدیکی حتماً باید با همسر باشد، نیز دخالتی ندارد، به همین دلیل در مورد زنا نیز به کفاره حکم نموده‌اند. هم چنین ماه رمضان نیز خصوصیت ندارد، بلکه در هر روزه واجبی چنین حکمی وجود دارد.

3- موارد مشابه به تنقیح مناط

باید توجه داشت که الغای خصوصیت و قیاس، شباهت های بسیاری با تنقیح مناط دارند که برای تمییز این موارد از یکدیگر باید پژوهشی مو شکافانه ای دیگر داشت و در این مقال نمی گنجد.

4- جایگاه تنقیح مناط و دلیل حجیت آن

فقها و اصولیون، تنقیح مناط را از باب حجیت ظهور کلام دانسته‌اند.

توجه به این نکته ضروری است که در این پژوهش تنقیح مناطی محل بحث است که علت را همان موضوع حکم می‌داند و البته در این‌صورت با الغای خصوصیت یکسان است.

5- تنقیح مناط در نگاه شهیدین اول و ثانی

به نظر می آید که اغلب فقهای فقه امامیه، تنقیح مناط قطعی را حجت می دانند که از جمله ی ایشان شهید اول و ثانی می باشد. ایشان در متن کتاب اللمعة الدمشقیة بارها و بارها به این روش استناد جسته اند و برای تخریج حکم استفاده کرده اند. در ادامه ی پژوهش بر آن هستیم تا مواردی را برای آشنایی بیشتر با این موضوع برشماریم. نکته ی قابل ذکر آن است که این پژوهش معنونی کاربردی دارد و یحتمل ثمره ی زیادی برای خواننده به ارمغان نمی آورد.

# فصل دوم: تطبیقات

در این جا مواردی را که شهیدین در کتاب اللمعه الدمشقیه از تنقیح مناط بهره برده اند را ذکر می کنیم و به بررسی آن می پردازیم.

## بخش اول: خروج از حکم عامِ وجوب ازاله ی نجاست برای نماز گزار

روایت مربوط به این بحث عبارتند از:

«خبر علي بن جعفر عن أخيه موسى عليهما السّلام:

(إن أصاب ثوبك قدر دينار من الدم فاغسله و لا تصل فيه حتى تغسله.)

با توجه به این روایت باید حکم کرد که اگر خون بر روی «لباس» نمازگزار باشد، اما به اندازه ی دینار نرسد، نیازی به غسل آن نمی باشد. اما در عبارت شهید اول و ثانی (رحمهما الله تعالی) آمده است:

(وَعُفِی) فِی الثَّوْبِ وَ الْبَدَنِ ... (وَعَنْ دُونِ الدِّرْهَمِ الْبَغْلِی) سَعَةً، وَ قُدِّرَ بِسَعَةِ أَخْمُصْ الرَّاحَةِ.

با توجه به عبارت ذکر شده، اختلافی در حکم شهیدین و روایت مشاهده می شود و آن اختلاف این است که در عبارت فقط لفظ «ثوب» آمده است اما شهیدین هم «ثوب» و هم «بدن» را ذکر کرده اند. این از مواردی است که شهیدین تنقیح مناط کرده اند و خصوصیات مثال را گرفته اند و حکم کرده اند.

حال چگونه این تنقیح مناط را می توان اثبات کرد و حجت دانست؟ به روایت ذیل توجه بفرمایید:

و لمرسل جميل عن أبي جعفر و أبي عبد اللّه عليهما السّلام: (فلا بأس به ما لم يكن مجتمعا قدر الدرهم)

در این روایت اطلاق کلام موجب این شده است که خصوصیت ثوبیت از حکم برداشته شود و به همین دلیل ثوبیت دخالتی در حکم ندارد. همچنین موردی که برخی از فقها و اصولیین به آن اذعان دارند این است که با توجه به مزاق شارع، ثوبیت مدخلیتی ندارد. بنابراین تنقیح مناط صحیح است.

## بخش دوم: الحاق خون استحاضه و نفاس به خون حیض

همانطور که در مورد اول بیان شد، خونی که کمتر از یک درهم باشد از حکم « وجوب ازاله ی نجاست برای نماز گزار» خارج شد اما خون حیض از این حکم مستثنی می باشد. روایتی دال بر اثبات این حکم وجود دارد که در زیر به آن اشاره شده است:

- في خبر أبي بصير عن أبي جعفر و أبي عبد اللّه عليهما السّلام: (لا تعاد الصلاة من دم لم تبصره إلا دم الحيض، فإن قليله و كثيره في الثوب إن رآه و إن لم يره سواء.

اما محل بحث در این جا می باشد که شهیدین بالاتفاق، خون نفاس و استحاضه را ملحق به خون حیض نموده اند و حکم خون حیض را بر این دو بار نموده اند. حال باید علت این حکم را بررسی کرد که آیا کشف مناط است یا خیر؟

دلیل:

توجیهی که برای این مورد فقهاء به کار می برند آن است که وقتی واژه ی (حیض) استفاده می شود، به طور معمول شامل حیض، نفاس و استحاضه می باشد که در اصطلاح به این موارد دماء ثلاثه می گویند.

شهیدین با توجه به کاربرد واژه ی حیض در عصر معصومین و کثرت استعمال این لفظ برای دماء ثلاثه، مناط را سه مورد قرار داده اند و خصوصیت حیض را که ممیز استحاضه و نفاس است، گرفته و در این سه مورد جاری کرده اند.

## بخش سوم: ادامه دارد...

# فصل سوم: منابع و مآخذ

1- سایت «ویکی فقه؛ دانشنامه ی حوزوی»

2- بحراني، شيخ يوسف، الحدائق النّاظرة في احكام العترة الطاهرة، انتشارات جامعة مدرسين ، اول ، 1405،قم

3- بی نام ، مقاله حکم حاکم به ثبوت هلال، مجله فقه، شمارۀ ۲، زمستان 1373

4- حسن مهرآبادی آرانی ، حکم حاکم در رؤیت هلال ، حکومت اسلامی، سال پانزدهم، بهار 1389، شماره 1 (پیاپی 55)

5- حسینی ، سیده معصومه ، پیان نامه نقش حاکم شرع در اعلام رویت هلال از دیدگاه مذاهب اسلامی ،۱۳۹۲،پردیس تهران دانشگاه قرآن و حدیث

6- حلّی علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى‌،منتهى المطلب في تحقيق المذهب،‌ مجمع البحوث الإسلامية،‌ اول،‌ 1412 ه‍ ق،‌ مشهد- ايران‌

7- خمينى، سيد روح اللّه موسوى (مصحح: سيد محمد حسين بنى هاشمى خمينى‌)،‌توضيح المسائل( محشّى)، دفتر انتشارات اسلامی، هشتم،1424ه ق ، قم

8- شهید ثانی ، زین الدین بن علی ، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه ، مجمع الفکر الاسلامی ، 1424ه ق ، قم

9- شيخ بهايى، محمد بن حسين، زبده الاصول، مرصاد، اول،‏1423 ق‏،قم

10- صدوق، محمد بن علي، كمال الدين و تمام النعمة في اثبات الغيبة و كشف الحيرة، تحقيق علياكبر غفاري، قم

11- عاملى، حرّ، محمد بن حسن، ‌تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة‌ ،مؤسسه آل البيت عليهم السلام‌، اول‌، 1409 ه ق، قم

12- عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى‌، الدروس الشرعية في فقه الإمامية‌ ،دفتر انتشارات ‌اسلامى ،دوم ،1417 ه ق ، قم

13- عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، ‌اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية‌، دار التراث- الدار الإسلامية‌، اول ،‌ 1410 ه‍ ق‌،قم

14- عبدی، محمد حسن ، الاساس فی اصول فقه ، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم ، 1396، قم

15- غفوریان، محمد رضا، آغاز و انجام ماه های قمری، مجله فقه، شمارۀ ۱۰،زمستان 1375

16- نجفى، صاحب الجواهر، محمد حسن‌، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام،‌ دار إحياء التراث العربي‌ ، 1404 ه‍ ق‌،هفتم‌، بيروت- لبنان‌

17- نراقى، مولى احمد بن محمد مهدى‌، مستند الشيعة في أحكام الشريعة،‌ مؤسسه آل البيت عليهم السلام،‌ 1415 ه‍ ق‌ ،اول‌، قم

18- اتحاد و اختلاف افقها، مجله فقه، شمارۀ ۲، سال ۱۳۷۳، ماه دی

19- عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن علی ، تمهيد القواعد الأصولية و العربية، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم،‌ 1416 ه‍ ق،‌ اول‌، قم